

مجموعه مقالات همایش

تفسیر المیزان و علوم انسانی اسلامی

جلد اول

به کوشش محمد علی اسدی نسب



پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
انتشارات

مجموعه مقالات همایش

تفسیر المیزان و علوم انسانی اسلامی

جلد اول

به کوشش محمدعلی اسدی‌نسب

اشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ دوم: ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰ تومان

طراح جلد: ایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: بوسان کتاب قم

سروشنامه: همایش تفسیر المیزان و علوم انسانی اسلامی (نخستین: قم: ۱۳۹۷).
عنوان و نام پدیدآور: تفسیر المیزان و علوم انسانی اسلامی: مجموعه مقالات همایش / به کوشش: محمدعلی اسدی‌نسب.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲ ج.

شابک: دوره ۴ - ۴۳۲ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۰۸ - ۹۷۸

ج ۲: ۷ - ۴۳۱ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: طباطبایی، محمدحسین، ۱۲۸۱-۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن - تفسیر.

موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴ - نقد و تفسیر.

موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴ - کنگره‌ها.

موضوع: Quran -- Shiite hermeneutics -- 20th century -- Congresses

موضوع: Quran -- Shiite hermeneutics -- 20th century -- Criticism & interpretation

شناسه افزوده: اسدی‌نسب، محمدعلی - ۱۳۴۲.

شناسه افزوده: طباطبایی، محمدحسین، ۱۲۸۱-۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن - شرح.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹۸ م ۶۰۲۵ / ۹۸ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۲۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۲۸۰۱۲

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهیدبهشتی، تقاطع بزرگراه

شهید مدرس، پلاک ۵۶ تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

فروشگاه کتاب اندیشه: تهران: خیابان انقلاب، روبروی

درپ اصلی دانشگاه تهران، پلاک ۱۳۴۸، تلفن: ۶۶۱۷۵۶۷۰

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۱۷	یادداشت دبیر علمی
۲۵	بخش نخست الیزابتن - فلسفه علوم انسانی اسلامی
	فصل اول: تعریف مهم علمی بر اساس ساحت‌های وجودی انسان /
۲۷	ذوالفقار ناصری
۲۷	چکیده
۲۸	مقدمه
۳۰	۱. ساحت‌های وجودی انسان و ماهیت علم
۳۲	۱-۱. قوا و ساحت‌های وجودی انسان
۳۴	۱-۱-۱. ساحت معرفتی
۳۵	۱-۱-۲. ساحت عاطفی
۳۶	۱-۱-۳. تأثیر متقابل ساحت عاطفی و ساحت معرفتی
۴۲	۱-۲. عقلانیت و انواع آن
۴۲	۱-۲-۱. تعریف عقلانیت از منظر علامه طباطبایی
۴۴	۱-۲-۲. انواع عقلانیت
۴۵	۱-۲-۲-۱. عقلانیت جامع
۴۷	۱-۲-۲-۲. عقلانیت معرفتی
۴۹	۱-۲-۲-۳. عقلانیت ارزشی
۵۰	۲. تعریف علم دینی
۵۷	نتیجه‌گیری
۵۸	منابع

فصل دوم: معیار علم دینی با تأکید بر علوم انسانی اسلامی از منظر علامه

طباطبایی / رمضان علی تبار فیروزجایی	۶۱
چکیده	۶۱
مقدمه	۶۲
۱. مفهوم‌شناسی علم و علم دینی	۶۲
۲. معیارها و ملاک‌ها	۶۵
۲.۱. معیارهای رکنی	۶۶
۲.۱.۱. دینی بودن میانی و پیش فرض‌های علم	۶۶
۲.۱.۲. دینی بودن موضوع و مسائل علم	۶۹
۲.۱.۳. دینی بودن هدف و فایده علم	۷۱
۲.۱.۴. دینی بودن منابع علم	۷۵
۲.۱.۵. دینی بودن طرق و روش علم	۷۷
۲.۲. معیارهای غیررکنی (ناویر)	۸۰
۲.۲.۱. نقش ظروف تمدنی، تاریخ و شرایط فرهنگی و اجتماعی در دینی شدن دانش	۸۰
۲.۲.۲. نقش عالمان، مؤلفان و زنان در دینی شدن علم	۸۱
۲.۲.۳. تحلیل و نتیجه‌گیری نهایی	۸۲
۲.۳.۱. میزان نقش عناصر و مؤلفه‌ها	۸۲
۲.۳.۲. مراتب تشکیکی علوم از لحاظ دینی	۸۳
۲.۳.۳. تأثیر عناصر و عوامل در دستگاه معرفتی	۸۴
منابع	۸۵

فصل سوم: امکان علوم انسانی اسلامی از منظر قرآن در دید

علامه طباطبایی / محمدعلی اسدی‌نسب	۹۱
چکیده	۹۱
مقدمه	۹۲
۱. تغایر میان علم و وحی	۹۳
۱.۱. تغایر در روش	۹۴
۱.۱.۱. انحصار روش علمی در تجربه حسی	۹۴

۹۵	۱-۱-۲. ملاک تمایز و دسته‌بندی علوم
۹۷	۱-۱-۳. برآیند تکثر روش شناخت در علوم انسانی
۹۷	۱-۲. تغایر زبانی
۹۸	۱-۲-۱. معناداری گزاره‌های قرآن
۱۰۰	۱-۲-۲. امکان فهم معانی و مراد گزاره‌های قرآنی
۱۰۲	۱-۲-۳. معرفت‌بخشی گزاره‌های قرآن
۱۰۳	۱-۲-۴. برآیند زبان‌شناختی قرآن در امکان علم انسانی اسلامی
۱۰۳	۳. تغایر در هدف
۱۰۶	برآیند نسبت اهداف قرآن با اهداف علوم انسانی
۱۰۷	۱-۴. تکرار در موضوع و مسائل
۱۱۲	برآیند تکرار در موضوع و مسائل
۱۱۲	۱-۵. تغایر در فهم
۱۱۴	برآیند نفی تغایر فهم وحی و وحی
۱۱۴	۲. تداخل میان علم و وحی
۱۱۴	۲-۱. تداخل حداقلی
۱۱۵	برآیند نفی تداخل حداقلی
۱۱۵	۲-۲. تداخل تضاد
۱۱۷	برآیند نفی تضاد میان علم و دین
۱۱۷	نتیجه‌گیری
۱۱۸	منابع
	فصل چهارم: ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر قرآن در دین اسلام
۱۲۱	علامه طباطبایی / محمدعلی اسدی‌نسب
۱۲۱	چکیده
۱۲۲	مقدمه
۱۲۴	۱. جامعیت وحی
۱۲۴	۱-۱. جامعیت محتوایی
۱۲۵	۱-۲. جاودانگی آموزه‌های قرآنی

۱۲۷	۳-۱. جهانی بودن.....
۱۲۷	برایند جامعیت قرآن.....
۱۲۸	۲. اهداف وحی.....
۱۳۳	۳. تعریف دین از منظر قرآن و تلازم آن با علوم انسانی اسلامی.....
۱۳۴	۴. نیاز به علوم وحیانی در کنار علوم بشری.....
۱۳۴	۴-۱. عرصه مبانی اعتقادی.....
۱۳۶	۴-۲. در عرصه توصیف واقع.....
۱۴۰	۴-۳. در عرصه عمل و رفتار.....
۱۴۱	۵. برتقاع علم انسانی اسلامی بر علوم انسانی سکولار.....
۱۴۱	۵-۱. مبانی معرفتی.....
۱۴۱	۵-۱-۱. واقع‌گرای بیشتر علوم انسانی اسلامی از علم انسانی بشری.....
۱۴۲	۵-۲. محدودیت علم و علوم انسانی موجود.....
۱۴۳	۵-۳. مسدودیت علم بود همه آموزه‌های وحیانی.....
۱۴۴	۵-۴. حقانیت سعادت‌آوردین علم دینی.....
۱۴۵	۵-۲. ارزش عملی.....
۱۴۶	نتیجه‌گیری.....
۱۴۷	منابع.....
	فصل پنجم: ویژگی‌های پارادایمی موضوع علوم انسانی اسلامی از نگاه
۱۴۹	علامه طباطبایی / قاسم ترخان.....
۱۴۹	چکیده.....
۱۵۰	مقدمه.....
۱۵۱	عناصر پارادایمی دخیل در موضوع علوم انسانی.....
۱۵۲	۱. فطرت و شاکله.....
۱۶۰	۲. عقل و عقلانیت.....
۱۶۶	۳. اراده و اختیار.....
۱۶۹	۴. هدایت و ضلالت.....
۱۶۹	نتیجه‌گیری.....
۱۷۱	منابع.....

فصل ششم: روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی (با تأکید بر آراء

۱۷۵ علامه طباطبائی) / رمضان علی تبار فیروزجایی
۱۷۵ چکیده
۱۷۶ مقدمه
۱۷۷ ۱. مفهوم‌شناسی
۱۷۷ ۱.۱. علوم انسانی
۱۷۸ ۱.۲. روش و روش‌شناسی
۱۸۰ بایست‌های «روش علوم انسانی اسلامی»
۱۸۱ ۲.۱. رعایت اقتضائات پارادایم اسلامی
۱۸۵ ۲.۲. ابت بر مبانی اسلامی
۱۸۷ ۲.۲.۱. مبانی شناختی
۱۹۰ ۲.۲.۲. مبانی سازش‌شناختی
۱۹۱ ۲.۲.۳. مبانی معرفت‌شناختی
۱۹۲ ۲.۳. دارای چارچوب نظری - اسلامی
۱۹۴ ۲.۴. انعطاف‌پذیری نسبت به سطوح مبانی مختلف علم
۱۹۵ ۲.۴.۱. سطح عام و مشترک و سطح اختصاصی
۱۹۶ ۲.۴.۲. سطح بنیادین و کاربردی
۱۹۸ ۲.۵. جامعیت و کمال (نکتر روش‌شناختی)
۱۹۹ ۲.۵.۱. جامعیت در موضوع مورد مطالعه
۱۹۹ ۲.۵.۲. جامعیت از لحاظ بهره‌گیری از منابع متعدد
۲۰۱ نتیجه‌گیری
۲۰۳ منابع
۲۰۹ فصل هفتم: منابع و مبانی معرفت‌شناختی علوم انسانی اسلامی / محمدعلی سوادی
۲۰۹ چکیده
۲۱۰ مقدمه
۲۱۱ ۱. منابع معرفت‌شناختی علوم انسانی اسلامی
۲۲۲ ۲. مبانی معرفت‌شناختی علوم انسانی اسلامی

۲۳۲	نتیجه‌گیری
۲۳۳	منابع
	فصل هشتم: فطرت از نگاه علامه طباطبایی و برآیند آن در علوم انسانی /
۲۳۵	قاسم ترخان
۲۳۵	چکیده
۲۳۶	مقدمه
۲۳۷	۱. یستی فطرت از نگاه علامه طباطبایی
۲۳۸	۱-۱. فطرت در بعد شناخت
۲۴۱	۱-۱-۱. فطرت خداشناسی
۲۴۳	۱-۲. فطرت اخلاق‌شناسی
۲۴۵	۱-۲-۱. فطرت در بعد گرایش
۲۴۵	۱-۲-۱. فطرت گروهی
۲۴۶	۱-۲-۲. فطرت اجتماعی
۲۴۹	۱-۲-۳. فطرت در بعد تمدن
۲۵۱	۱-۳. فطرت در بعد توانش
۲۵۲	۲. برآیند مبنای انسان‌شناختی فطرت در علوم انسانی
۲۵۳	۲-۱. برآیند معرفت‌شناختی
۲۵۴	۲-۱-۱. نفی نسبیت در ادراکات نظری
۲۵۶	۲-۱-۲. نفی نسبیت در ادراکات عملی
۲۶۲	۲-۲. برآیند غایت‌شناختی
۲۶۴	۲-۳. برآیند روش‌شناختی
۲۶۵	نتیجه‌گیری
۲۶۶	منابع
	فصل نهم: اعتباریات و علوم انسانی از منظر علامه طباطبایی / ابوالفضل ساجدی
۲۷۱	سیدروح‌اله میرنصیری
۲۷۱	چکیده
۲۷۲	مقدمه
۲۷۳	۱. کلیات و مفاهیم

۱-۱. اعتباری	۲۷۳
۱-۲. علوم انسانی	۲۷۴
۲. نقش مهم و تعیین‌کننده ماهیت مفاهیم و گزاره‌ها در نظریه‌پردازی	۲۷۶
۳. اعتباریات و موضوع علوم انسانی	۲۷۷
۳-۱. رفتارهای ارادی	۲۷۸
۳-۲. نهادهای اجتماعی	۲۸۰
۳. روایت	۲۸۱
اعتباریات و هدف علوم انسانی	۲۸۳
۴-۱. ضرورت فهم و تفسیر موضوعات اعتباری قبل از نظریه‌پردازی درباره آنها	۲۸۴
۴-۲. اندازه و وضوح موجود و تلاش برای تغییر آن به سمت وضع آرمانی	۲۸۷
۵. اعتباریات و روش‌های علمی	۲۸۹
۵-۱. روش تفهیمی و تفسیری؛ روش‌های عملی برای نظریه‌پردازی در موضوعات اعتباری	۲۸۹
۵-۲. قیاس جدلی؛ استنتاج منطقی در مسائل اعتباری علوم انسانی	۲۹۱
نتیجه‌گیری	۲۹۳
منابع	۲۹۴
فصل دهم: نظام مسائل و طبقه‌بندی علوم بر المیزان ؛ محمد کاوه	۲۹۷
چکیده	۲۹۷
مقدمه	۲۹۸
۱. مبانی علم‌شناختی علامه طباطبائی	۳۰۱
۲. نقش «روش»، «مسائل» و «غایت» در تمایز علوم	۳۰۴
۳. طبقه‌بندی علوم بر المیزان	۳۰۷
۳-۱. علوم به اعتبار غرض از حصول «موضوع»	۳۰۷
۳-۲. علوم به اعتبار نحوه گردآوری موضوع	۳۰۸
۳-۳. علوم به اعتبار کیفیت موضوع	۳۰۹
۴. مراتب علوم	۳۰۹
۵. مراتب مسائل قرآن	۳۱۱
۶. معارف قرآن بر المیزان	۳۱۳

۳۱۴.....	۷. منش در قرآن.....
۳۱۴.....	۸. کنش در قرآن.....
۳۱۵.....	نتیجه‌گیری.....
۳۱۶.....	منابع.....
۳۱۹.....	بخش دوم: المیزان و جامعه‌شناسی.....
۳۲۱.....	فصل اول: روش‌شناسی بازتولید نظام اجتماعی قرآن / سیدحسین فخرزادع.....
۳۲۱.....	چکیده.....
۳۲۲.....	مقدمه.....
۳۲۴.....	۱. جاهت‌روشی در نظام‌سازی قرآنی.....
۳۲۸.....	۲. ویژگی‌های روش‌شناختی در ترسیم نظام اجتماعی قرآن.....
۳۳۴.....	۳. نقش عناصر شناختی در روش‌شناختی.....
۳۳۷.....	۴. نقش نظریه در نظام‌سازی.....
۳۴۰.....	۵. روش فهم و بازتولید معرفت در نظام اجتماعی قرآن.....
۳۴۶.....	۶. مدل تحلیلی مراحل اختراع گفتار.....
۳۴۹.....	نتیجه‌گیری.....
۳۵۰.....	منابع.....
	فصل دوم: مبانی و منابع معرفت‌شناختی علم فرهنگ‌شناسی اسلامی و
۳۵۳.....	برآیند آنها / محمدعلی سوادی.....
۳۵۳.....	چکیده.....
۳۵۴.....	مقدمه.....
۳۵۵.....	۱. چگونگی ایفای نقش مبانی معرفت‌شناختی علم فرهنگ‌شناسی.....
۳۵۶.....	۲. برآیندهای ثابت و متغیر مبانی و ارزش‌های فرهنگی.....
۳۵۹.....	۳. معرفی اجمالی مبانی علم فرهنگ‌شناسی اسلامی و برآیند آنها.....
۳۶۵.....	۴. نقش انسجام فرهنگی در توسعه.....
۳۶۸.....	۵. منابع.....
۳۶۹.....	۵-۱. کتاب و سنت.....
۳۷۲.....	۵-۲. فطرت.....

.....	۳۷۵	۵-۳. عقل
.....	۳۷۷	۵-۴. سیره عقلا
.....	۳۷۸	۵-۴-۱. تاریخ و سیره
.....	۳۸۰	۵-۴-۲. طبیعت
.....	۳۸۲	۵-۴-۳. غریزه‌ها (انگیزه‌های زیستی)
.....	۳۸۳	نتیجه‌گیری
.....	۳۸۴	منابع
فصل سوم: ساحت اجتماعی انسان در فلسفه اجتماعی علامه و رهیافت آن		
.....	۳۸۷	در تربیت اجتماعی / محمد گودرزی
.....	۳۸۷	چکیده
.....	۳۸۸	مقدمه
.....	۳۸۹	۱. چیستی حقیقت ساحت اجتماعی انسان و خاستگاه آن
.....	۳۹۴	۲. ریشه‌یابی اختلال در تعادل اجتماعی و برقراری آن
.....	۳۹۴	۱- ۲. واکاوی طبع اولی انسان بعنوان زمینه‌ساز اختلالات
.....	۳۹۵	۲- ۲. ضرورت وضع قوانین و مقررات برای تعادل اجتماعی
.....	۳۹۶	۲- ۳. بررسی پیشینه تلاش‌های مصلحانه اجتماعی و نقش عقل بشری در این زمینه
.....	۳۹۹	۲- ۴. تفکیک دو شأن ثبوتی و اثباتی در هدایت الهی انسان
.....	۴۰۰	۲- ۵. مراد علامه از عقل و جنبه منفعت‌طلبانه آن
.....	۴۰۱	۲- ۶. تفکیک میان مقام وضع و مقام اجرا، التزام و ضمانت اجرا، فرائض
.....	۴۰۲	۳. ضمانت حفظ تعادل اجتماعی و الگوی جامعه توحیدی در این زمینه
.....	۴۰۴	۱- ۳. مطالعه غایت‌شناختی جوامع مادی در مسئله حاکمیت قانون
.....	۴۰۴	۲- ۳. الگوی توحیدی در وضع قوانین و ضمانت اجرای آن
.....	۴۱۳	۳- ۳. ارجاع ضمانت حفظ تعادل اجتماعی به اخلاق والا و بررسی رویکرد توحیدی به آن
.....	۴۱۴	۳- ۴. الگوی توحیدی، جامع نیازهای دنیوی و سعادت‌مندی جاویدان
.....	۴۱۵	۳- ۵. آیا هرگونه اخلاقی نجات‌بخش است؟
.....	۴۱۷	۳- ۶. ارجاع اخلاق نجات‌بخش به توحید
.....	۴۲۰	جمع‌بندی
.....	۴۲۱	منابع

فصل چهارم: نسبت فرد و جامعه از منظر قرآن در تفسیر المیزان /

۴۲۳	سیدحسین فخرزراع.....
۴۲۳	چکیده.....
۴۲۴	مقدمه.....
۴۲۷	۱. تأثیر جامعه بر فرد.....
۴۳۷	۲. تأثیر فرد بر جامعه.....
۴۴۴	۳. تقوی متقابل فرد و جامعه.....
۴۴۹	نتیجه‌گیری.....
۴۵۰	منابع.....
۴۵۳	فصل پنجم: جامعه مطلوب در اندیشه علامه طباطبایی / فاضل حسامی.....
۴۵۳	چکیده.....
۴۵۴	۱. تحلیل مفهوم جامعه در ادبیات جامعه‌شناسی.....
۴۵۶	۲. هویت و هستی جامعه.....
۴۵۷	۳. تاریخچه طرح موضوع جامعه مطلوب.....
۴۶۲	۴. جامعه مطلوب در اندیشه علامه طباطبایی.....
۴۶۳	۴-۱. اجتماعی‌بودن دین اسلام.....
۴۶۴	۴-۲. غایت‌مندی.....
۴۶۵	۴-۳. امنیت.....
۴۶۷	۴-۴. قانون و قانون‌گرایی.....
۴۶۹	۴-۵. همبستگی اجتماعی در پرتو خدااباوری.....
۴۷۰	۴-۶. محوریت رهبری در جامعه مطلوب.....
۴۷۱	۴-۷. ساخت قشربندی اجتماعی.....
۴۷۲	۴-۸. تکافل اجتماعی.....
۴۷۳	۴-۹. آزادی و آزادگی.....
۴۷۴	۴-۱۰. خانواده‌محوری.....
۴۷۷	۴-۱۱. جامعه پویا و رو به‌رشد.....
۴۷۷	۴-۱۲. شایسته‌سالاری در مسئولیت‌ها.....

۴۷۸	نتیجه‌گیری
۴۷۸	منابع
	فصل ششم: درآمدی بر «قانون» از منظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان /
۴۸۱	اسماعیل صابر کیوج
۴۸۱	چکیده
۴۸۲	مقدمه
۴۸۳	۱. پدیده تاریخی و نظری مسئله در غرب
۴۸۷	۲. ماهیت و ضرورت زندگی اجتماعی
۴۸۹	۳. بروز اختلاف در جامعه
۴۹۱	۴. ضرورت آزمون
۴۹۲	۵. ویژگی‌های بسته‌قانون
۴۹۳	۶. منبع قانون‌گذاری
۴۹۴	۶.۱. فطرت
۴۹۴	۶.۲. عقل
۴۹۵	۶.۳. دین
۴۹۷	۷. ویژگی قوانین اسلام
۴۹۸	۸. راه‌های اعمال قانون در جامعه
۴۹۹	۹. ضمانت اجرا و مجری قانون
۵۰۱	۱۰. نحوه برخورد با متخلفین
۵۰۲	نتیجه‌گیری
۵۰۴	منابع

یادداشت دبیر علمی

روزناری ممالک اسلامی دارای تمدنی درخشان بودند؛ مسلمانان بر اساس تعالیم قرآنی سرافراز عالم، بر دانش‌های روز مسلط و از آنها در کنار آموزه‌های وحیانی بهره می‌بردند؛ همان علم مختلف اعم از تجربی و غیرتجربی، طبیعی و یا انسانی با علوم وحیانی بی‌سای نمی‌دیدند؛ تنها ملاک را، کشف واقع می‌دانستند آنان منشأ همه علوم حقیقی را بر اساس آموزه‌های قرآنی خدا می‌دانستند و از این حیث به وحدت الگای میان علوم معتقد بودند؛ اما بر اثر عواملی چند از جمله حاکمیت ناشایستگان بر کشورهای اسلامی، هجوم بیگانگانی مانند مغول و...، این تمدن گران سنگ، در به افول و ویرانی نهاد؛ در دوره طولانی غفلت مسلمانان، علوم تجربی دنیاگرای مادی و سکولار مغرب زمین پدید آمد و بارشد فوق‌العاده‌ای همه جوانب حیات را در غربان را تحت تأثیر خود قرارداد و نتایج شگفت‌آوری در عرصه علوم طبیعی از خود باقی گذاشت و پس از آن علوم انسانی را نیز تحت سیطره گرفت و همان‌طور که در متن تجربی را در عرصه این علوم توصیه کردند؛ یکی از نتایج این تحولات آن شد که آموزه‌های وحیانی که عموماً غیرتجربی بودند رها یا مسکوت گردیدند و علم سکولار را بر آنها حاکم گردانیدند.

در ممالک اسلامی به علت وجود حاکمان بی‌لیاقت از سویی و حاکمیت دیانت منهای سیاست، بر اذهان برخی از فعالان اجتماعی از سوی دیگر و عدم

درک حقیقت و لوازم آنچه در غرب واقع شده است، چشم بسیاری در برابر تمدن نوین غربی، خیره گشت و مسلمانان بسیاری، آنچه را که خود داشتند و انهداند و فراموش کردند و یا به دیده تحقیر نگریستند؛ متولیان امور نیز از احیا و یا بازسازی آن ناامید گشتند، بدین علت عموم کسانی که می‌باید در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه کاری می‌کردند؛ خود خریداران مشتاقی برای فرهنگ غرب شدند، و علاوه بر تمایل شدید حاکمان به فرهنگ بیگانگان، روشنفکران نیز به چنین وضعی گرفتار شدند و تقرب به فرهنگ غربی را برای خود افتخار می‌دانستند؛ به طوری که عموم روشنفکران دوره مشروطه به از خودبیگانگی گرفتار شدند. می‌پنداشتند چونان آب قلیل آلوده‌ای‌اند که با وصل به غرب به پاکی می‌رسند؛ افرادی مانند تقی‌زاده برآن بودند که از سر تا پا باید انگلیسی شود.

برخی از رهبران نیز به تدریج به عمق فاجعه پی‌بردند، ولی در ابتدا به علت فقدان طرحی برای بنیادین در عرصه رابطه علم و دین، نتوانستند در برابر تمدن مادی خیره‌کننده غرب، طرحی مبتنی بر مبانی دینی، شفاف و کارآمد ارائه دهند و از حرکت‌های سیاسی، مجاهدت‌ها و حرکت‌های انقلابی نیز چندان ثمره‌ای حاصل نشد، گرچه ارتقای فراوان کسب گردید که برای آیندگان مفید افتاد.

عواملی چند مانند: حضور قدرت‌های غربی در منطقه، بحران فلسطین، وجود حکومت‌های فاسد غرب‌گرا و غیرمردمی، شکست الگوهای غیراسلامی، احساس سرخوردگی، تحقیر تاریخی، و نیز سرسختی‌های بزرگ فکری و جهادی جریان‌ساز اسلامی، سبب بیداری اسلامی و بازگشت به هویت اسلامی گردید؛ این بیداری عمیق اسلامی در میان مسلمانان سنی و شیعه به حرکت خود ادامه داد تا در جهان شیعه، منجر به ظهور دو شخصیت مهم در جهان شیعه شد؛ یکی امام خمینی به‌عنوان یگانه رهبر سیاسی برای اجرای اسلام ناب و دیگری علامه طباطبایی به‌عنوان مهم‌ترین شخصیت نظریه‌پرداز در تمامی علوم اسلامی؛ با ظهور این دو شخصیت، مبارزه با

غرب‌گرایی و فرهنگ بیگانه بسی عمیق و راهگشا و دارای طرح و برنامه‌ای مبنانگر شد که می‌توانست در عین دارا بودن هویتی اسلامی، بدیلی برای فرهنگ غرب و الگویی برای طالبان تحول بر اساس اسلام شود. یکی از نتایج مهم تلاش‌های این دو شخصیت بزرگ، تربیت شاگردانی شد که علاوه بر دارا بودن علم و عمل لازم، توان ارتباط با اقشار فرهیخته دانشگاهی و حوزوی را پیدا کردند؛ اینان توانستند کمک کنند تا طیف گسترده‌ای از جوانان انقلابی و متعهد به ارزش‌های بنیادین اسلامی تربیت شوند و این جوانان با ارتباط با اقشار دیگر مردم به بیداری آنان کمک نمودند و ایشان را در صف انقلاب به رهبری امام خمینی علیه السلام موفق در زمانه ما آنکه به انقلاب اسلامی شکوهمند ۵۷ ختم شد و همه عرصه‌ها را فراگرفتند.

محور اصلی انقلاب اسلامی وجهه دینی و فرهنگی آن بود و لازم بود تحول عمیق فرهنگی حاصل اندک در نتیجه مراکز علمی و فرهنگی و در رأس آنها دانشگاه‌ها متحول می‌شدند. از راه‌تنگی به غرب نجات پیدا کنند؛ در همان زمان که دانشگاه‌های کشور از دید نگاه نظام، نیازمند تحول اساسی بودند گروه‌های انحرافی پدید آمدند و در دانشگاه‌ها نفوذ کردند، در نتیجه برخی از این مراکز جولانگاه گروهک‌های ضدانقلاب شدند و بسیاری از اساتید سکولار، غیرانقلابی و غیرمکتبی در مراکز دانشگاهی، مشغول کارهای حزبی و سیاسی بودند؛ ایشان نه تنها با انقلاب همراه نبودند که مانع از تحقق آرمان‌های بلند اسلامی نیز بودند، تعطیلی دانشگاه تبریز به علت برهم زدن سلسله‌ای یکی از مسئولان نظام، جرقه‌ای شد برای تعطیلی دانشگاه‌ها تا از نظر سبای علمی و اسلامی و مواد آموزشی با انقلاب همسو و تبدیل به دانشگاه‌ها اسلامی شوند؛ در این میان با اینکه شاید اندیشمندانی بودند که می‌گفتند دانشگاه‌ها از بنیان بر علوم غربی سکولار بنا شده‌اند و فارغ‌التحصیلان چنین مراکزی محصولی متناسب با مواد آموزشی خود تولید می‌کنند و آثاری نامتجانس با انقلاب خواهند داشت که باید با تعطیلی آنها طرحی نو در انداخت و علوم را با رویکردی اسلامی بنیاد نهاد اما چون فاقد طرح و برنامه و پشتوانه علمی لازم

بودند گاهی به افراط و زمانی به تقریظ می‌گراییدند و از این گذشته مواد و متون لازم و اساتید مناسب هنوز فراهم نشده بود.

علوم انسانی اسلامی که «مجموعه‌های معرفتی حاصل از گزاره‌هایی نظام‌مند و برخاسته از همه منابع شناخت مورد تأیید عقل، مرتبط با ماهیت فرافیزیکی انسان در عرصه گزاره‌های توصیفی اسلام (در راستای چگونگی، علل و امدهای صفات روحی و فعالیت‌های ارادی انسان اعم از ذهنی و رفتاری در سطح فردی و اجتماعی به منظور شناخت، پیش‌بینی) و عرصه توصیه‌ای (در سیر هدایت، مدیریت انسان و جامعه بشری به سوی کمالات معنوی مورد نظر اسلام) می‌باشد» در دو دهه گذشته مورد عنایت رهبری معظم انقلاب بوده و بر تحقق آن به‌طور اصرار ورزیده‌اند؛ تا جایی که در مهر ۸۸ در جمع بانوان قرآن‌پژوه، یکی از محورهای مهم قرآن‌پژوهی را، استخراج مبانی علوم انسانی از قرآن دانستند و تأکید کردند که این کار انجام شود پژوهشگران با استفاده از مبانی قرآنی و همچنین استفاده از روش‌های پیشرفت‌های علوم انسانی، می‌توانند بنای رفیع و مستحکمی را از علم قرآن بر پایه آموزه‌های قرآنی بنا نهند» چرا که قرآن کریم مرجع حل تمامی چالش‌های نظری و عملی، دنیوی و اخروی، در ابعاد فردی، اجتماعی، داخلی و جهانی است. امری که به شکلی مرتبط به هدایت انسان باشد و در سعادت یا شقاوت آدمیان تأثیر در برداشته باشد ناگزیر قرآن تبیان آن است که باید با فرایندی اجتهادی توأم با استنباط آیات قرآنی، چنین علمی را با تأسیس یا تهذیب بنا نهاد.

در تحقق این توصیه‌ها برخی از مراکز و محافل علمی اسلامی همت خویش را صرف تأسیس علوم انسانی اسلامی گذاشتند؛ یکی از این مراکز مهم در کشور، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است که در این زمینه ده‌ها کتاب و صدها مقاله علمی منتشر نموده است. اما این فرایند همچنان باید پیگیری شود تا از رهیافت و مذاقه صاحب‌نظران، ابعاد گوناگون اسلامیت این علوم دقیق‌تر و عمیق‌تر و با متون و مبانی دینی سازگارتر شود و به تدریج شکوفایی و بالندگی لازم را بیابند و به کمال برسند.

مجموعه مقالات پیش رو در صدد واکاوی علوم انسانی اسلامی از منظر قرآن کریم است؛ همان طور که اشاره شد قرآن کریم به مقتضای نسبتی که با حقیقت انسان و کمال ابدی او دارد، در صدد اصلاح همه جانبه فرد و جامعه و رساندن همگان به کمال حقیقی است از این رو مهم ترین منبع کشف نظریه های اسلامی در عرصه علوم انسانی است؛ چرا که قرآن مجید کتاب هدایت به سوی سعادت دنیا و آخرت انسان است و در برابر هر نظر، نظریه و مکتبی که در باب سعادت آدمیان نظری داشته باشد؛ موضعی خاص را دارا است؛ از این رو مسرانی جمله "تبیاناً لكل شی" (نحل: ۸۹) را به معنای بیان کننده تمامی آنچه انسان در مسرهدایت و سعادت نیاز دارد، دانسته اند و این امری است که علوم انسانی سکولار نیز در قلمرو این جهانی مدعی تحقق آن است.

اهداف و محوری آن کریم حکایتگر همین نظر است زیرا سراسر قرآن به شکل مستقیم یا غیر مستقیم دارای مسائلی است که در علوم انسانی غربی مانند سیاست؛ اقتصاد، روان شناسی، حقوق نیز طرح شده است و از نظر مبانی و محتوا نمی توان بین آنها جمع نمود و به هر دو گروه ملتزم شد و چنین امری می طلبد که برای صحت پسوند اسلام آنها، از حیث مبنا و مسائل تهذیب شوند و یا از نو تأسیس گردند؛ تا این علوم را علم انسانی اسلامی نام نهمیم.

اگر این روند را از منظر قرآن کریم پیگیری نماییم بسیاری از شیوه های مؤثر، استنتاج آثار قرآنی مفسران بزرگ است؛ مهم ترین اثر فخر رازی که در همه آموزه های اسلامی از جمله علوم انسانی اسلامی، مرجع و سارا آمد شمرده می شود؛ تفسیر شریف المیزان، نگارش علامه سید محمد حسن طباطبائی می باشد؛ تفسیر بی نظیر او در حقیقت دایره المعارفی عمیق در عرصه های مختلف آموزه های اسلامی است که بر اساس علوم مرتبط عصر با قلمی رسا و توانمند توأم با اخلاصی برخاسته از قلبی برخوردار از هدایت قرآنی بر اساس نیازهای جوامع اسلامی به رشته تحریر درآمده است.

از این رو گروه تخصصی علوم انسانی قرآنی پژوهشگاه، موظف به انجام همایشی با عنوان المیزان و علوم انسانی اسلامی و ارائه مجموعه مقالاتی در

این زمینه شد. گرچه در المیزان عنوانی با چنین نامی نمایان نیست، اما مطالب فراوان و راهگشایی در این تفسیر دیده می‌شود که با توضیح و بررسی آنها می‌توان در حوزه فلسفه علوم انسانی و مسائل مختلف آن نکات مهمی را کشف نمود که وقتی در موضوعات علوم مربوطه مورد عنایت قرار گیرند آنچه حاصل می‌شود علوم انسانی اسلامی خواهد بود.

در مسیر تحقق آرمان فوق، فراخوانی جهت نگارش مقالات در محورهای مده مبانی و مسائل علوم انسانی اسلامی انجام گرفت و مقالات بسیاری فرستاده گردید که بعد از فرایند پذیرش مقالات و ارزیابی حدود یک‌صد مقاله، در نهایت، تعداد ۳۰ مقاله مورد تأیید نهایی قرار گرفت؛ که تا کنون حدود ۲۰ مقاله از بهار ۱۳۹۰ تا بهار ۱۳۹۱ از سوی مجلات مربوطه پذیرفته شده است. البته این تعداد از مقالات و موضوعات، بخشی از اهداف ما را در این عرصه محقق نمود که ضرورت دارد، روند پژوهش در آینده تداوم یابد تا بتوانیم به مجموعه‌ای کامل‌تر و کامل‌آمدتر در این زمینه دست‌یابیم.

نوآوری‌های این اثر در سه محله، قابل اشاره است:

۱. تخصص محققان

مجموعه مقالات المیزان و علوم انسانی اسلامی توسط اندیشمندان و متخصصان علوم مربوطه و با عنایت به مبانی و مسائل مندرج در این علوم تصنیف شده است؛

۲. قرآنی بودن اثر بر محوریت المیزان

مقالات مربوطه بر اساس آرای علامه طباطبایی در المیزان نگارش شده است و چنین تألیفی بی‌سابقه است از این‌رو می‌توان گفت مقالات مربوطه هر یک بی‌سابقه و جدید است؛

۳. نوآوری هر یک از مقالات

هر یک از مقالات مربوطه دارای نوآوری‌ها و دستاوردهای گوناگون خاص خود است که عمدتاً در چکیده آنها مندرج شده است و نیازی به تکرار آنها نیست؛ مقالات پذیرش شده، به پنج بخش تقسیم شدند؛ دو بخش اول در جلد

اول و سه بخش نیز در جلد دوم منتشر شد.

بخش اول، به بیان تعریف، مبانی و منطق علوم انسانی اسلامی می‌پردازد؛ بدون آنکه به علمی خاص از علوم انسانی اختصاص یافته باشد و در سه بخش بعدی تلاش شده تا ابتدا مقالاتی که بیشتر در عرصه مبانی علوم مربوطه قابل طرح هستند و سپس مقالاتی که به مسائل علوم پرداخته‌اند، ذکر شوند و در آخر به علت آنکه چند تک‌مقاله وجود داشت که با موضوعات بخش‌های قبل مرتبط نبود؛ بخش پنجمی نیز افزوده شد؛ بنابراین بخش‌های مربوطه این مجموعه مقالات، از این قرارند:

بخش اول: المیزان و فلسفه علوم انسانی اسلامی

بخش دوم: المیزان و جامعه‌شناسی

بخش سوم: المیزان و علوم سیاسی

بخش چهارم: المیزان و فلسفه اخلاق

بخش پنجم: المیزان و اقتصاد و میراث و تاریخ

در خاتمه از همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر، به شکلی سهمی داشته‌اند، اعم از: ریاست محترم پژوهشگاه آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، ریاست محترم پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی حجت‌الاسلام والمسلمین محمد عرب‌صالحی، مدیر محترم گروه تخصصی علوم انسانی حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم ترخان، اعضای شورای علمی و نیز کمیته علمی این گروه مربوطه و از همه محققانی که در نگارش مقالات تلاش نمودند و نیز هیأت جرایبی این اثر آقایان محمدجواد کوثری، حسن احمدپور قاضی محله و ... را تسلیماً عرض می‌نمایم.

دبیر علمی

محمدعلی اسدی‌نسب